

نشریه علمی آینه معرفت
دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۴۰۰

Scientific Journal of *Ayeneh Ma'refat*
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی
کد مقاله: ۱۰۱۶
صفحات: ۱۱۱-۱۳۲

سبک زندگی و موانع آن در نهج البلاغه

ثریا بزرگزواد*
حمید حسینی**
علی حسین احتشامی***

چکیده

مقوله «سبک زندگی» یک افزوده جدید در علوم اجتماعی و روان‌شناسی نوین است، لیکن عناصر اصلی سبک زندگی نمی‌تواند موضوع جدیدی باشد، آنچه نو و جدید به نظر می‌آید، روش‌های بررسی این مقوله است و نه عناصر اصلی و سازنده آن. موضوع سبک زندگی، همواره در طول تاریخ مد نظر و دغدغه صاحبان ادیان و مکاتب بشری بوده است، پیامبران الهی از طریق کتب آسمانی و حکما، عارفان، متکلمان، فقیهان و حتی ادیبان و مورخان و دیگر ارباب حرف و صنایع، در ضمن تبیین و شرح اصول مورد نظر خود در صدد انتقال نوع سبک زندگی ایده آل و مطلوب خود به شاگردان و خوانندگان خود بوده‌اند و این هدف مهم از طریق الگو سازی و تقلید صورت پذیرفته است، حتی در مواردی که تصریح به تقلید و الگوسازی از سوی مذهب و مکتبی نشده است، این کار خود به خود، صورت گرفته است. در این مقاله تلاش نویسنده بر این بوده است که با بررسی سخنان امام علی(ع) در قالب خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌های آن حضرت در کتاب شریف نهج البلاغه، برخی از عوامل سازنده و تأثیر گذار، همچنین برخی از موانع و عوامل بازدارنده سبک زندگی مطلوب و ایده آل از نگاه امام علی(ع) را بررسی و مورد تحقیق قرار دهم و در حد توان خود تلاش نموده‌ام لیکن از آنجاکه سخنان امام در باره سبک زندگی بسیار وسیع و گسترده است، بررسی همه آنها و ابعادشان در یک مقاله امکان پذیر نیست، امید است که محققان دیگر همت نمایند آنها را بررسی کنند.

s.barzegar88@gmail.com
hoseinihamid@gmail.com
a.h.ehteshami.47@gmail.com

* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان
** عضو هیئت علمی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان (نویسنده مسئول)
*** عضو هیئت علمی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۴۰۰/۳/۲۰

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، امام علی (ع)، نهج البلاغه، زندگی مطلوب، عوامل سازنده زندگی مطلوب، عوامل بازدارنده زندگی مطلوب.

مقدمه

اصطلاح سبک زندگی (life style) به معنی روش زندگی کردن، شامل باورها، بینش‌ها و اعتقادات هر فردی در زندگی‌اش است و انواع مختلف و متعددی دارد. این اصطلاح یک اصطلاح جدید و نوظهور است و نخستین بار در سال ۱۹۲۹، آلفرد آدلر، روان‌شناس اجتماعی مطرح کند و پس از وی مورد توجه بسیاری از دانشمندان حوزه‌های مختلفی چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، دانش سلامت، تجارت، تبلیغات و رسانه و... قرار گرفت.

همچنین سبک زندگی در حوزه مطالعات فرهنگی، به مجموعه رفتارها و الگوهای کنشی هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی است، اطلاق می‌شود و کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد را نشان می‌دهد. سبک زندگی، مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره و زندگی روزانه است (کاویانی، ص ۳۵). نکته شایان توجه این است که مفهوم «سبک زندگی» صرفاً شامل رفتارهای روزمره انسان نیست که فاقد دوام و استمرار باشد بلکه یک مفهوم شناختی است که شامل اهداف، آرمان‌ها و اندیشه‌های فرد در باره زیستن است. و در این مفهوم و معناست که یک پژوهشگر می‌تواند این مفهوم را در متون کلاسیک نیز بررسی کند. و به تعبیر برخی از پژوهشگران: سبک زندگی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایداری است که از بینش‌ها و ارزش‌های آدمیان متأثر بوده و به صورت عینی در رفتار انسان متجلی می‌شود. هرگاه انسان غذایی را تناول می‌کند یا پوششی را برمی‌گزیند یا اعتقادات خاصی دارد، این الگوهای رفتاری، سبک زندگی آدمی را تشکیل می‌دهد (فعالی، ص ۳۳).

می‌توان گفت، سبک زندگی دو ویژگی اصلی دارد: یکی داشتن الگوست و دوم اینکه در این کنش‌ها نوعی ترجیح وجود دارد، به این معنا که هرچند افراد رفتارشان را برحسب اجبار یا عادت انجام می‌دهند، لیکن برخی از رفتارهای ایشان برحسب انتخاب و ترجیح است و این انتخاب‌ها به باور افراد بر می‌گردد؛ این مناسبات یا الگومندی‌ها، همان سبک زندگی است (مهدوی کنی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۶). همچنین سبک زندگی، مبین بخشی از فرهنگ است که در جوامع امروزی، نقش مهمی در زندگی مردم دارد؛ زیرا با مسائل کلیدی و حساسی همچون

هویت (تمایز) فردی و اجتماعی، فعلیت بخشیدن به قدرت تشخیص و انتخاب یا دست کم ایجاد احساس آزادی عمل پیوند خورده است (همان، ص ۱۷).

سبک زندگی مطلوب در نهج البلاغه

سبک زندگی مطلوب از نظر امام علی (ع) همان سبک زندگی قرآنی و اسلامی است که در همراهی تربیت پیامبر (ص) با استفاده از آیات الهی شکل گرفته است.

در نهج البلاغه با توجه به ارائه الگو و آگاهی در سبک زندگی اسلامی طبق مفاهیم ارائه شده، می‌توان از مواردی همچون: دین‌داری، تفکر دینی، فرهنگ و آداب اسلامی، امیدواری به خداوند، محاسبه نفس، عبادت و بندگی، حق‌گویی و حق‌پذیری، احترام متقابل، تأمین معاش، انفاق و ... نام برد که در تربیت مصداقی و کاربردی فرد و اجتماع نقش بسزایی دارد.

از سوی دیگر، امام علی (ع) با نفی بازدارنده‌هایی همچون: تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی شدید، اسراف، نبود وفقدان معنویات، غفلت‌زدگی تبیین کاملی از «سبک زندگی» را ارائه نموده است.

به بیان دیگر، امام علی (ع) با تبیین و ارائه الگوها و نمونه‌هایی از شیوه صحیح زیستن بر اساس مبانی اسلام و موانع تحقق آن را در نهج البلاغه نشان داده است.

تحقق سبک زندگی مطلوب، نیازمند فراهم شدن بستر مناسب است. این بستر باید در تمام ابعاد زندگی انسان نهادینه شود. حال ممکن است، این بسترسازی با بازدارنده‌های فرهنگی و اجتماعی مواجه شود، از جمله؛ دنیاگرایی و توجه به مادیات، اسراف و تبذیر، رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، تنبلی و سستی در انجام مسئولیت، توجه نکردن به جایگاه تقدس خانواده را می‌توان به عنوان نمونه نام برد.

امام علی (علیه السلام) چون تربیت شده قرآن و قرآن شناس واقعی است و عمل قرآنی دارد و در واقع انسان ایده‌آل و تربیت شده پیامبر (صلی الله علیه واله) است و بهترین الگوی زندگی مسلمانی است، در نهج البلاغه برای اهل ایمان سبک خاصی از زندگی را تبیین کرده که سعادت آن‌ها را تأمین می‌کند. از آنجایی که خداشناسی، جهان‌شناسی، ارزش‌شناسی، انسان‌شناسی و ... مهم‌ترین مبانی نظری سبک زندگی مؤمنانه در نهج البلاغه است، بنابراین پس از قرآن، یکی از مهم‌ترین منابع در زندگی هر مسلمان است که می‌تواند زندگی‌اش را بر پایه آن شکل دهد. حال باید گفت: این سبک زندگی همه عرصه‌های زندگی اهل ایمان را در بر می‌گیرد، با توجه به

گسترده‌گی و عمق این سبک زندگی، عوامل متعددی می‌تواند در تحقق سبک زندگی مطلوب مانع ایجاد کند که عوامل فرهنگی از مهم‌ترین آنهاست. نکته مهم در گزینش سبک زندگی این است که اگر فردی بخواهد سبک زندگی خود را انتخاب کند در نگاه غیردینی، این انتخاب بر اساس سود و لذت فردی است. زیرا در این سبک زندگی، اصالت با فرد و علایق اوست؛ لیکن زندگی یک فرد دیندار نباید صرفاً بر اساس سود و لذت فردی باشد. در این سبک زندگی همان‌طور که به علایق و سلیقه‌های فردی توجه شده وی در برابر جامعه و حتی در برابر محافظت و حراست از طبیعت و حیوانات نیز مسئولیت دارد. امام علی(ع):

اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ، فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ. [وَ] أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ، وَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْخَيْرَ فَخُذُوا بِهِ، وَ إِذَا رَأَيْتُمُ الشَّرَّ فَأَعْرِضُوا عَنْهُ؛ نسبت به بندگان و سرزمین‌های خدا بترسید [که در اثر بی توجهی شما آنها نابود شوند]، زیرا که شما در برابر آنها وحی در برابر آبگیرها (تالاب‌ها) و چارپایان مسئولیت دارید و از خدا فرمان برید و هرگز نافرمانی وی را نکنید و هرگاه کار خیر دیدید، آن را انجام دهید و چون کار شر دیدید از آن دوری نمائید (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷).

نویسنده در این مقاله در صدد تبیین سبک زندگی از نگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه است و روش پژوهش وی روش کتابخانه‌ای (یا جمع آوری اطلاعات) و تحلیلی توصیفی است، در آغاز کتاب شریف نهج البلاغه را بررسی نموده، سپس اصول و موضوعات مرتبط با عنوان مقاله را از آن استخراج و تبیین و تحلیل نموده است. از آنجا که نهج البلاغه همانند گوینده آن امام علی(ع) ژرف، عمیق و گسترده است، امکان درج همه مطالب راجع به سبک زندگی در یک مقاله، میسر نیست، امید است دیگر علاقمندان به این موضوع ابعاد دیگر آن را پژوهش و به نمایش بگذارند.

عوامل تأثیر گذار در سبک زندگی انسان در نهج البلاغه

۱. ایمان و اعتقاد قلبی

اعتقاد صحیح، ایمانی است که مبتنی بر ایمان راسخ به خدا و روز قیامت، ایمان به غیب، ایمان به قرآن، انجام عمل صالح باشد و این نوع ایمان می‌تواند در انتخاب سبک مطلوب زندگی افراد جامعه تأثیر گذار باشد. از نظر امام علی(ع) ایمان امری جامع و فراگیر است که شامل: معرفت قلبی، اقرار و اعتراف زبانی و عمل کردن توسط اعضا و جوارح انسان می‌گردد (همان، حکمت

(۲۲۷) و هنگامی که از امام علی (ع) در باره ارکان و پایه‌های ایمان پرسیده شد، فرمود: «ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر یقین، عدالت و جهاد» (همان، حکمت ۳۱) و برای هر یک از این پایه‌ها و ستون‌ها نیز اصولی را بیان نموده است (همان‌جا).

از نگاه قرآن مقدس، ایمان در زندگی یک فرد مؤمن، حاصل تجارت و داد و ستدی است که انسان مؤمن در دنیا با خدا معامله می‌کند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ، تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتي راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می‌بخشد؛ پس [اگر طالب چنین چیزی هستید] به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید این برای شما (از هر چیز) بهتر است اگر بدانید (الصف/۱۱-۱۰).

اعتقاد به خدا نقش اساسی در دوری از رذیلت‌های اخلاقی دارد؛ اعتقاد به خدا مسیر درست زندگی را به آدمی نشان می‌دهد، زیرا در اثر اعتقاد به خدا، شخص مؤمن عبدی است که گوش به فرمان سخن خداوند دارد و قلب و دل خویش را تسلیم وی می‌کند و بر او اتکا و توکل می‌نماید. از این جهت ناامیدی، استرس و دلهره‌ای که در زندگی افراد غیر مؤمن دیده می‌شود، در زندگی افراد با ایمان مشاهده نمی‌شود. ایمان حقیقی، انسان را از علم الیقین به عین الیقین و از عین الیقین وی را به مرحله حق الیقین می‌رساند. امام علی (ع) در باره نقش یقین در زندگی انسان فرموده است: «وَبِالْيَقِينِ تُدْرَكُ الْغَايَةُ الْقُصْوَى؛ به واسطه یقین است که می‌توانید به هدف عالی و نهایی (زندگی) دستیابید (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷) و در توصیف ایمان فرموده است:

ایمان راهی روشن و چراغی پرتو افکن است، به واسطه ایمان است که می‌توان نسبت به اعمال صالح استدلال کرد و از طریق اعمال صالح نیز می‌توان بر وجود ایمان استدلال نمود و از راه ایمان است که دانش آباد می‌گردد (همان، خطبه ۱۵۴).

هنگامی که دنیا طلبان ابوذر را به ریزه تبعید کردند- به رغم ممنوعیت مشایعت ابوذر از سوی حکومت عثمان- امام علی (ع) برای مشایعت ابوذر حاضر شد و خطاب به او فرمود: «ای اباذر همانا تو برای خدا به خشم آمدی، پس امید به کسی داشته باش که به خاطر او غضبناک شدی، این مردم برای دنیای خود از تو ترسیدند و تو بر دین خویش از آنان ترسیدی، پس دنیا را که به خاطر آن از تو ترسیدند به خودشان واگذار و با دین خود که برای آن ترسیدی از این مردم

بگریز این دنیا پرستان چه محتاجند به آنچه که تو آنان را از آن ترسانی و چه بی نیازی از آنچه آنان تو را منع کردند. و به زودی خواهی یافت که چه کسی فردا سود می برد و چه کسی بر او بیشتر حسد می ورزند (همان، خطبه ۱۳۰).

امام علی (ع) در باره نقش ایمان فرموده است: «فرض الله الايمان تطهيرا من الشرك؛ خداوند [بر بندگان خود] ایمان را واجب نمود، تا آنها را از [آلودگی به] شرک پاک نماید» (همان، حکمت ۲۵۲).

از نگاه امام علی (ع) کمال نهایی سبک زندگی نیل انسان به «قرب الهی» است که کمالی مطلق است معنا و مفهوم «قرب الهی» عبارت از این است که انسان سعه و جودی پیدا کند بدین معنا که با انجام کارهای خوب به مرتبه ای از کمال جودی می رسد که وجود او وجودی خدایی می شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۳) و مؤید این سخن فرمایش امام در دعای کمیل است که از خدای متعال چنین می خواهد:

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيْبًا عِنْدَكَ وَ أَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَ أَحْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ؛ ای خداوند! در پیشگاه خود بهره و نصیب بهترین بندهات را برای من قرارده و مقام منزلت مرا نزد خود از همه نزدیک تر و از جهت نزدیکی به خود مرا از همه آنها مخصوص تر گردان.

۲. اصل هدفمندی زندگی

سبک زندگی ارتباط تنگاتنگی با معنا و مفهوم «هدف زندگی» دارد، بهترین سبک زندگی آن سبکی است که در آن هدفی وجود داشته باشد و شخص با انتخاب سبک زندگی بتواند به آن هدف نایل گردد؛ در سبک زندگی که هدفی وجود نداشته باشد، انسان قادر نخواهد بود که بهترین سبک زندگی را برگزیند، سعادت و خوشبختی انسان در هدف داشتن است و این هدف اعم از اهداف دنیوی و اخروی است، زیرا که سعادت انسان اعم از سعادت دنیوی و اخروی است. از نظر برخی از صاحب نظران، سه راه برای یافتن معنای زندگی وجود دارد: ۱. انجام کار ارزشمند (یعنی انجام فعالیتی برای زندگی خود و دیگران)؛ ۲. تجربه ارزش های والای انسانی (یعنی درک تجربه مقولاتی از قبیل: فرهنگ، عشق، فداکاری، نועدوستی و مانند آن)؛ ۳. تحمل درد و رنج در راه رسیدن به هدف (فرانکل) بی هدفی مترادف با پوچی و تهی بودن انسان است (فرانکل، ۱۳۹۴، ص ۹۳).

بی‌هدفی در سبک زندگی باعث می‌شود که افراد دچار افسردگی و بحران هویت شوند. تفاوت نگرش و جهان بینی مادی یا الهی ریشه اصلی پذیرش هدف زندگی است؛ کسی که در زندگی صرفاً دارای نگرش مادی است زندگی را پوچ می‌داند اما کسی که نگرش الهی به زیستن دارد زندگی را سراسر غایت می‌داند (سبحانی - محمد رضائی، بخش انسان شناسی).

کسانی که هدف از زندگی را تنها هدف‌های مادی می‌پندارند و تنها به اهداف موقت آن دل خوش کرده‌اند از نگاه قرآن، کسانی هستند که از درک حقیقت حیات غافل‌اند:

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ؛
 آن‌ها که امید و آرزوی ملاقات ما را (در روز رستاخیز) ندارند و به زندگی دنیا خشنود و به آن دل خوش کرده‌اند، همان کسانی هستند که از آیات ما غفلت ورزیده‌اند (یونس/۷).

در مقابل طالبان دنیا، مجاهدان در راه خدا هستند که هدف از زندگی را رسیدن به کمال نهایی و قرب الهی می‌دانند و خوشنودی پروردگار را هدف نهایی خویش قرار داده‌اند:

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ - و آن‌ها که در راه ما (با خلوص نیت) تلاش کرده‌اند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است (عنکبوت/۶۹).

از نگاه قرآن زندگی ناپایدار دنیا با اوصافی همچون غفلت، سرگرمی و... شایسته آن نیست که هدف‌های زندگی انسان قرار گیرد، بلکه باید به عنوان مزرعه جهان باقی و مکان آماده شدن برای ورود به حیات حقیقی و ابدی مورد استفاده قرار گیرد (مکارم شیرازی، ج ۲۳، ص ۳۵۱).

در زندگی هدفمند، به لحاظ ایمان به خدا و عمل صالح، زندگی انسان، خدامحور می‌شود (سبا/۳۷) و آن زندگی که محور اصلی آن خدا باشد، سراسر عبادت است و عبادت موجب کمال و تقرب به خداوند است. در قرآن تنها اسباب تقرب به خدا، ایمان و عمل صالح است (همان، ص ۳۵۱).

سیدرضی می‌گوید، هنگامی که امام علی (ع) برای سخن گفتن آماده می‌شد و روی منبر قرار می‌گرفت، در خطاب به مخاطبان خود می‌فرمود: «ای مردم! تقوای الهی را پیشه خود سازید و [بدانید که] هیچ انسانی، بیهوده و بی هدف آفریده نشده است تا به بازی و سرگرمی پردازد و او را به حال خود رها نساخته‌اند تا به کارهای لغو و بیهوده خود را سرگرم سازد و دنیایی که خود را در دیده انسان به زیبایی و نیکویی نشان داده، هرگز نمی‌تواند جایگزین آخرتی گردد که در نظر وی به زشتی و بدی جلوه گر نموده است (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۰ و نیز رک. خطبه ۱۹۳).

در باره تفاوت هدف انسان و حیوان می‌فرماید:

من- انسان- آفریده نشدم که همانند چارپایان در آغل بسته که همه مقصد و هدفشان نشخوار علف است باشم یا غذاهای لذیذ مرا به خود مشغول سازد؛ یا مانند آن حیوان ولگردی باشم که بر روی خاکروبه به دنبال غذا می‌گردد (همان، نامه ۴۵).

و در باره هدف از خلقت دنیا فرموده است:

دنیا برای شما به عنوان سرای ابدی آفریده نشده است، بلکه به عنوان یک سرای گذرگاه [ومحل عبور] قرار داده شده است تا از طریق آن اعمال [صالح] خود را برای سرای ابدی افزایش دهید، پس در دنیا همواره آماده سفر باشید و مرکب‌های خود را آماده سازید (همان، خطبه ۱۳۲).

در باره خطری که دنیاگرایی می‌تواند برای انسان داشته باشد فرموده است:

شما را از دنیاپرستی می‌ترسانم، زیرا منزلگاهی است برای کوچ کردن، نه منزلی برای همیشه ماندن؛ دنیا خود را با غرور زینت داده و با زینت و زیبایی می‌فریبد (همان، خطبه ۱۱۳).

از نگاه امام علی (ع) زندگی هدفمند به معنای زندگی برنامه‌ریزی شده در لحظات شب و روز است؛ «إن الليل والنهار يعملان فيك فاعمل فيهما و يأخذان منك فخذ منهما؛ شب و روز در تو کارگر و تأثیر گذارند و از تو [وقت و عمرت را] می‌گیرند، پس تو [نیز] از آنها چیزی بستان و بگیرد (غررالحکم، حدیث: ۳۷۰۵). به نظر می‌رسد، هدف امام (ع) این است که از فرصتی که روزگار در قالب شب و روز در اختیار انسان قرار می‌دهد، باید استفاده بهینه نمود، زیرا به قول امام (ع): «الفرصة تمرمر السحاب فانتهزوا فرص الخیر؛ فرصت‌ها همچون ابر در حال گذران هستند به همین خاطر فرصت‌های خوب، غنیمت و برگشت‌ناپذیر هستند» (همان، حکمت ۲۱).

همچنین فرموده است: «مَا أَسْرَعَ السَّاعَاتِ فِي الْيَوْمِ وَأَسْرَعَ الْأَيَّامِ فِي الشَّهْرِ وَأَسْرَعَ الشُّهُورِ فِي السَّنَةِ وَأَسْرَعَ السِّنِينَ فِي الْعُمُرِ! ساعت‌ها در روزها چه به شتاب می‌گذرند و روزها در ماه‌ها و ماه‌ها در سال‌ها. و سال‌های عمر چه تند و پرتوان می‌روند (همان، خطبه ۱۸۸). همان‌طور که اشاره کردیم، مقصود امام (ع) این است که باید انسان از لحظات و فرصت‌های خود برای کسب سعادت و کمال بهره جوید.

۳. مسئولیت‌پذیری

یکی از عوامل مهیا کننده سبک زندگی مطلوب، مسئولیت‌پذیری است، انسانی که خود را مسئول می‌داند، یک انسان متعهد و پایبند به مقررات است و خود را در برابر خدا و هموعان

حتی طبیعت مسئول می‌داند که از حقوق الهی، انسان و طبیعت دفاع کند و مسئولیت به مفهوم تکلیف، وظیفه و آنچه انسان عهده‌دار آن است، می‌باشد (تمیمی آمدی، ح ۰۳۷۰۵). مسئولیت‌پذیری به زندگی انسان رنگ و بوی الهی و دینی می‌دهد، زیرا انسانی که خود را تابع و پیرو هیچ قانون و مذهبی نمی‌داند و زیر بار هیچ مسئولیتی نمی‌رود، نمی‌تواند روح زندگی دینی را درک نماید. از این رو، در سبک زندگی اسلامی، مسئولیت‌های مشخص انسان بیان شده است. در آموزه‌های اسلامی انسان از آن جهت که انسان است، دارای مسئولیت‌های خاصی در ارتباط با خدا، خویش، انسان‌ها و جهان هستی است که در صورت توجه، پذیرش و شکوفاسازی تمام آن‌ها، زندگی آدمی، نظامی مطلوب به خود می‌گیرد و انسان به کمال شایسته خود رهنمون می‌شود (جوادی آملی، ص ۵۵).

امام علی (ع) در برابر مسئولیت انسان نسبت به طبیعت و چارپایان فرموده است:
 إِنْتُمُوهَا فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ، فَأَنْتُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ؛ تقوای الهی را پیشه خود سازید، زیرا که شما حتی در برابر زمین (طبیعت) و چارپایان مسئولیت دارید (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷).

مقصود امام این است که در عمران و آبادی شهرها و طبیعت بکوشید و از ویرانی آنها جلوگیری کنید و محیط طبیعت (و محیط زیست) را سالم نگهدارید و حقوق حیوانات را رعایت کنید و نیازهایشان را بر طرف سازید. در اینجا امام (ع) حوزه و قلمرو مسئولیت انسان را گسترش داده است، طوری که شامل طبیعت و حیوانات نیز می‌شود و انسان را در برابر حفظ حقوق آنها مسئول می‌داند.

به علاوه امام علی (ع) ثروتمندان را در برابر حقوق فقرا مسئول می‌داند و می‌فرماید:
 إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ بِهِ غَنِيٌّ، وَ اللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ؛ به تحقیق خدای سبحان در میان اموال ثروتمندان، غذا و خوراک تهیدستان را قرار داده است، پس هیچ فقیری در دنیا گرسنگی نمی‌کشد، مگر اینکه ثروتمندان [حقوق او را] از وی باز داشته‌اند و خداوند از ثروتمندان در باره این موضوع خواهد پرسید (همان، حکمت ۳۲۸).

مقصود امام (ع) این است که چنانچه در جامعه فقر وجود دارد، عامل آن خود فقرا نیستند، بلکه ثروتمندان هستند که به خاطر ندادن حقوق تهیدستان زندگی آن‌ها را به فقر ونداری کشانده‌اند.

۴. اعتدال در زیستن

یکی از عوامل مهم در شکل گیری سبک زندگی، تصویری است که یک دین و مذهب یا یک مکتب از نوع رابطه میان دنیا و آخرت دارد، به طوری که یک دین، همانند مسیحیت، آخرتگرا و دنیاگرمی می‌گردد و علامت و نشانه واضح آن «رهبانگری» و تارک دنیا بودن است که در مسیحیت ارزش تلقی می‌شود و مطابق آن هزاران بلکه بیشتر، کشیشان مجرد وجود دارند که به تقلید ظاهری از حضرت مسیح (ع) تن به ازدواج نمی‌دهند آن را برای خود ارزش تلقی می‌کنند. در مقابل دین دیگری مانند آئین یهود، دنیاگرا و آخرتگرمی می‌شود، دنیاگرایی یهود به اندازه‌ای است که قرآن کریم در باره آن می‌فرماید:

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْخِزِجِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ. (ای پیامبر) هر آینه یهود را حریص‌ترین مردم، حتی (حریص‌تر) از مشرکان، بر زندگی (این دنیا و اندوختن ثروت) خواهی یافت، (تا آنجا که) هر یک از آنها دوست دارد هزار سال عمر کند، در حالی که (اگر) این عمر طولانی به آنان داده شود، آنان را از عذاب خداوند باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال آنها بیناست (بقره/۹۶).

علت اینکه مسیحیت و آئین یهود کنونی گرفتار افراط و تفریط شده‌اند این است که آنها نتوانسته‌اند، رابطه میان دنیا و آخرت را به خوبی تحلیل کنند، تصور آنها این است که دنیا و آخرت با هم رابطه متضادی دارند و این رابطه به گونه‌ای است که نمی‌توان آن دو را باهم سازش داد.

اسلام که اصول اساسی آن بر «امت وسط» استوار است از هر نوع افراط و تفریط گریزان است، نه دنیاگرایی محض و نه آخرتگرایی صرف است و رابطه دنیا و آخرت (و یا دین) از گونه رابطه مقدمه (دنیا) با ذی المقدمه (آخرت) است یا از باب کشت و زرع (در دنیا) و چیدن محصول (در آخرت) است. که رسول اکرم فرموده است: «الدنيا مزرعة الآخرة» («بحارالانوار»، ج ۶۷، ص ۲۲۵) بهره‌گیری و استفاده از مواهب حیات از جمله ازدواج و مخالفت با رهبانگری از مقررات اسلام برای زیستن است. هنگامی که رسول اکرم (ص) متوجه شد، گروهی از مسلمانان خانواده‌های خود را رها ساخته و جهت عبادت بیشتر در مسجد اعتکاف کرده‌اند، اعتراض به عمل افراط گرایانه آنها کرد و فرمود: «لارهبانیه فی الاسلام» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۹۳). این سخن مؤید واقعگرایی اسلام و مخالفت با آخرتگرایی محض است.

امام علی (ع) نیز افراط و تفریط را عامل گمراهی و راه اعتدال و میانه روی را عامل نجات می‌داند و می‌فرماید:

الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مُضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ، عَلَيْهَا بَاقِيَ الْكِتَابِ وَآثَارُ النَّبُوَّةِ وَمِنْهَا مَنَفَذُ السُّنَّةِ وَإِلَيْهَا مَصِيرُ الْعَاقِبَةِ؛ چپ و راست [عامل] گمراهی است و راه میانه همان راه درست [الهی] است که خود کتاب خدا و سنت پیامبر بر آن گواه است و راه میانه، همان مسیر رسیدن به سنت است و عاقبت بدان باز می‌گردد (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

امام (ع) بهترین مردم را در باره عقیده و اعتقاد به خود و پیروی کردن از او کسانی می‌داند که روش اعتدال و میانه را بر می‌گزینند: «خیر الناس فیّ حالاً، النمط الاوسط فالزموه. بهترین مردم درباره من (علی علیه السلام) گروه میانه رو هستند (نه دشمنی دارند و نه غلو کنند) بنابراین از آن‌ها جدا نشوید (همان، خطبه ۱۲۷). از نگاه امام (ع) روش اعتدال نه تنها برای سبک زندگی معمولی و عادی، بلکه برای حیات سیاسی، اعتقادی نیز مفید و سودمند است، امام (ع) در سیره عملی خود هم با غلاتی مانند «عبدالله ابن سبا» که در باره او غلو می‌کرد مخالفت نموده است و حتی او را تبعید کرد و نیز با خوارج که در مذمت امام افراط می‌کردند مخالفت ورزید. یکی عوامل گرفتاری مسلمانان در طول تاریخ و حتی امروز این است که برخی از آنها از روش اعتدال خارج و روش افراط و یا تفریط را برگزیده‌اند. نمونه‌اش در تاریخ، جریان انحرافی خوارج و در زمان ما حرکت عقیم داعش است.

۵. ساده زیستی

یکی دیگر از عوامل مطلوب در سبک زندگی از نگاه امام علی (ع) ساده زیستی است و نقطه مقابل ساده زیستی، اشرافیگری و زندگی‌های تجملی است امام علی (ع) می‌فرماید:

وَمَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْعَةِ الْكُفَّافِ فَقَدْ اِنْتَضَمَ الرَّاحَةَ وَتَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَةِ، وَالرَّغْبَةَ مِفْتَاحَ النَّصَبِ وَمَطِيئَةَ التَّعَبِ؛ آنکس که به مقدار نیاز اکتفا کند، به آسایش و راحتی دست یافته است و در فراخنای آسودگی استقرار یافته است و [بدانید که] میل به دنیا، کلید دشواری و مرکب گرفتاری است (همان، حکمت ۳۷۱).

امام (ع) در بیان تواضع و ساده زیستی، سبک زندگی رسول اکرم (ص) را به عنوان الگوی سبک زندگی به نحو بسیار عالی توصیف کرده است و فرموده است:

وَلَقَدْ كَانَ (صلى الله عليه وآله) يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَيَخْصِفُ يَدَيْهِ نَعْلَهُ وَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ تَوْبَهُ وَيَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَيُرْدِفُ خَلْفَهُ. وَيَكُونُ السُّتْرُ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ فَتَكُونُ فِيهِ

التَّصَاوِيرُ، فَيَقُولُ يَا فَلَانُةُ لِإِخْدَىٰ أَرْوَاجِهِ عَيْبِهِ عَنِّي، فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَ زَخَّارِفَهَا. ؛ همانا رسول اکرم (ع) بر روی زمین غذا می خورد و همانند بندگان می نشست و کفش خود را به دست خود وصله می زد و لباس خود را با دست خود می دوخت و بر دراز گوش بی پالان سوار می شد و بر ترکه خود کسی را نیز سوار می کرد، پرده ای که بر در خانه آویخته شده بود و بر روی آن تصاویری بود به یکی از همسران خود فرمود: آن را از دید من پنهان کن، زیرا هرگاه به آن می نگرم به یاد دنیا و زیور آلات آن می افتم (همان، خطبه ۱۶۰).

همان طور که ملاحظه می شود، امام علی (ع) چند نمونه از سبک زندگی رسول اکرم (ص) اشاره کرده است که می تواند برای پیروان آن حضرت الگو باشد: ۱. پیامبر بر روی زمین بدون فرش می نشست و غذا می خورد؛ ۲. همچون بردگان با حالت تواضع می نشست؛ ۳. پارکی کفش خود را با دست های خود پینه می زد؛ ۴. لباس های خود را وصله می زد؛ ۵. بر دراز گوش بی پالان سوار می شد؛ ۶. به زیور آلات دنیا - حتی در قالب یک پرده - نه تنها بی اعتنایی می کرد بلکه دستور می داد آن را از روبروی وی بردارند. و این نکته آخر نکته مهم و قابل توجه است که رسول اکرم به صرف گفتار اکتفا نمی کرد، بلکه آنچه را بدان اعتقاد داشت، عمل می کرد تا علاوه بر الگوی نظری، یک الگو و اسوه عملی برای جامعه باشد. امام (ع) در جای دیگر در باره ارزش تواضع فرموده است:

ولا حسب كالتواضع؛ هیچ ارزش و اعتباری [برای آدمی] همانند فروتنی نیست (همان، حکمت ۱۱۳) و یکی از فضائل «متقین» را بر گزیدن روش اعتدال در زندگی معرفی نموده است: فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ؛ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ وَ مَلْبَسُهُمُ الْإِفْتِصَادُ وَ مَشِيئُهُمُ التَّوَاضُّعُ؛ تقوا پیشه گان را در این جهان دارای ارزش هایی است [از جمله]: در گفتارشان درست سخن می گویند و در پوشاکشان به اعتدال [پرهیز از افراط و تفریط] بسنده می کنند و در رفتارشان با تواضع و فروتنی بر خورد می کنند (همان، خطبه ۱۹۳).

آنچه در گفتار امیر کلام (ع) جلب توجه می کند، توصیه و سفارش وی به ثروتمندان است که در برابر فقرا تواضع کنند!

وَ قَالَ (عليه السلام):

مَا أَحْسَنَ تَوَاضُّعَ الْأَعْيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ، طَلَبًا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ؛ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ تِيَةُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَعْيَاءِ، اتِّكَالًا عَلَى اللَّهِ؛ و چه زیبا و نیکوست، فروتنی ثروتمندان در برابر تهیدستان به جهت به دست آوردن آنچه نزد خداست [خوشنودی خداوند] و نیکوتر از آن، مناعت طبع تهیدستان است نسبت به ثروتمندان از جهت تکیه کردن آنها بر خداوند (همان، حکمت ۴۰۶).

امام علی(ع) در اینجا به دو نکته اساسی و مهم در سبک زندگی اشاره نموده است که یکی مربوط به رفتار توانگران و دیگری راجع به رفتار تهیدستان است: لازم است توانگران برای بدست آوردن خوشنودی خداوند در برابر تهیدستان تواضع نمایند! و تهیدستان نیز برای اینکه توکل خود به خداوند را از دست ندهند، در برابر ثروتمندان تواضع نمایند.

۶. امر به معروف و نهی از منکر

سرنوشت جامعه، بسته به رفتار افراد آن جامعه است. انسان به عنوان موجودی اجتماعی، برای حفظ قوام اجتماع انسانی و پویایی جامعه، ملزم به رعایت قوانین، بایدها و نبایدها است. بدیهی است که بی‌اعتنایی به قوانین و ارزش‌ها، سبب اختلال نظام و فروپاشی اجتماع می‌شود و معضلات فراوانی را برای فرد و جامعه به همراه می‌آورد. از این رو عقل حکم می‌کند برای صیانت از کیان جامعه اسلامی همه شهروندان اولاً باید خود عامل به معروف‌ها و دوری کننده از منکرات باشند و ثانیاً دیگران را نیز به انجام معروف‌ها و خوبی‌ها و داشته‌ها، از ارتکاب منکرات و بدی‌ها باز دارند؛ بنابراین امر به معروف و نهی از منکر از آموزه‌های بنیادین اسلامی است که در ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه نقش مؤثری دارد. برای امر به معروف و نهی از منکر، انزجار قلبی، امر و نهی زبانی، تذکر مشفقانه، مؤذبانه و محبت‌آمیز با کلمات سنجیده، در آخر با حکم شارع از توسل به قوه قهریه را به عنوان مراحل انجام آن در نظر گرفته‌اند.

در قرآن کریم برای رسیدن به وحدت، انسان‌ها به امر به معروف و نهی از منکر دعوت شده‌اند تا رستگار شوند (آل عمران/۱۰۴). امام علی(ع) در باره صفت امر به معروف و نهی از منکر فرموده است:

وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَخُلُقَانٍ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَإِنَّهُمَا لَا يُقْرَبَانِ مِنْ أَجَلٍ وَلَا يُنْقِصَانِ مِنْ رِزْقٍ؛ امر به معروف و نهی از منکر دو خصلت از خصلت‌های الهی هستند که [عمل به آنها] نه سبب نزدیک شدن مرگ کسی می‌شود و نه موجب نقصان رزق و روزی کسی می‌گردند (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶).

و در باره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در مقایسه با اعمال دیگر فرموده است:»

وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفَسَةٍ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ؛ وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، لَا يُقْرَبَانِ مِنْ أَجَلٍ وَلَا يُنْقِصَانِ مِنْ رِزْقٍ؛ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ؛ همه اعمال خوب و جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همانند قطره‌ای در برابر دریای مواج است

[و عمل به آنها] نه سبب نزدیک شدن مرگ کسی می شود و نه موجب نقصان رزق و روزی کسی می گردند (همان، حکمت ۳۷۴).

در هر دو گفتاری که از امام (ع) نقل کردیم، این سخن تکرار شده است: « [عمل به آنها] نه سبب نزدیک شدن مرگ کسی می شود و نه موجب نقصان رزق و روزی کسی می گردند». امام بر این نکته تأکید نموده است، چنانچه کسی اقدام به امر به معروف و نهی از منکر نماید، مشروط به اینکه شرایط و ضوابط آن را بداند و بدان اقدام کند، در آن صورت نه از تلف شدن جان خود در این راه بهراسد و نه از دست دادن مال و ثروت خود هراسی به دل راه دهد، زیرا که خداوند شخص امر به معروف و نهی از منکر را حفظ می کند. و این مشروط به این است آمران به معروف و ناهیان از منکر، به مقررات آن آگاه باشند و بر اساس قوانین عمل نمایند و نه بر اساس ذوق و سلیقه شخصی خود. اینکه در جامعه امروز ایران مواردی مشاهده می شود که آمران به معروف و ناهیان از منکر به قتل می رسند، به نظر می رسد که این اشخاص با احکام امر به معروف و نهی از منکر و شرایط آن آشنا نیستند. و به جای عمل به قوانین و مقررات، به سلیقه و ذوق فردی عمل می نمایند.

چنانچه فردی، نظر بی تفاوتی به این فریضه مهم داشته باشد، به تدریج بی تفاوتی در زندگی او حاکم می شود و چنین شخصی از حیات سعادت مند محروم می گردد. قرآن کریم حیات حقیقی را تنها در پرتو ایمان و عمل صالح می داند و ترک امر به معروف و نهی از منکر به طور کلی و در یک سیر تدریجی انسان را از حیات طیبه و راستین محروم می کند (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۳۴۲).

ترک امر به معروف و نهی از منکر یکی از موانع سبک زندگی مطلوب است. کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، لازم است به خاطر خداوند دوست دارد و به خاطر خداوند دشمن دارد. آیات و روایات بسیاری از امر به معروف و نهی از منکر سخن گفته است و از این فریضه مهم الهی نام برده است:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ - شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید (آل عمران/۱۱۰).

۷. تعلیم و تربیت

از عوامل مهم و تأثیرگذار در سبک زندگی تعلیم و تربیت است. اسلام دینی است که هدفش، کمال مطلوب انسان است. کمال مطلوب آدمی در دست یابی به قرب الی الله است؛ همین همسو

بودن تعلیم و تربیت اسلامی، با هدف رشد انسان به سوی کمال واقعی (قرب الی الله) است که شیوه‌ای راهگشا در جهت بسترسازی و تربیت صحیح و مطلوب اسلامی است. تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس نظام خاص زندگی است که برای فرد در ابعاد مختلف، شیوه زندگی خاصی را طرح ریزی می‌کند؛ همین برنامه‌ریزی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمین منعکس می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۶۹).

امام علی (ع) یکی از مسئولیت‌های حاکم و رهبر جامعه را تعلیم و تربیت افراد جامعه می‌داند تا گرفتار جهالت و نادانی که منشأ بسیاری از مفسدات اجتماعی است نشوند:

إِيهَا النَّاسُ إِنِّي لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ؛ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ قِيَّتِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا؛ ای مردم! من حقی بر عهده شما دارم و شما نیز حقی بر من دارید، اما حقی که شما بر من دارید این است که شما را موعظه و نصیحت کنم و غنائم (ثروت‌های ملی و بیت المال) را میان شما تقسیم نمایم و شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و تأدیب کنم تا یاد بگیرید (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

همچنین می‌فرماید، خدا نیز شما را (از طریق کتب آسمانی و رسولانش) تعلیم داده است و در جهل رها نساخته است.

فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَ لَمْ يَتْرُكْكُمْ سُذًى وَ لَمْ يَدَعْكُمْ فِي جَهَالَةٍ (همان، خطبه ۸۶).

کسب روزی حلال

از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار در سبک زندگی، کسب روزی حلال است کسب روزی حلال، جهاد است (نهج البلاغه، ترجمه دشتی؛ همان، نامه ۵۳) و از نگاه اسلام، جهاد در راه خدا، از بهترین نوع عبادات معرفی شده است. در تعالیم دین برای انتخاب شغل، معیارهایی را در نظر دارد: اینکه شغل مستلزم حرام نشود و باعث گناه نشود.

در برخی آیات قرآن مردم به سوی کار، تلاش و کسب روزی حلال دعوت شده‌اند و آن را یک واجب دینی دانسته است (اسراء/۱۲؛ الملک/۱۵؛ اعراف/۱۰؛ حدید/۲۵؛ مائده/۹۶).

امام علی (ع) فرهنگ کسب درآمد حلال را برای رسیدن به رفاه از طریق مفت خواری و ویژه خواری نمی‌داند: «این مال نه از آن من است نه از آن تو، بلکه غنیمت مسلمانان و اندوخته شمشیرهای ایشان است؛ اگر با آن‌ها در کارزار شریک بوده‌ای تو هم مانند آنان بهره می‌بری

وگرنه تو را بهره‌ای از آن نیست و چیده دست‌های آن‌ها برای دهن‌های دیگران نیست»
(نهج البلاغه، نامه ۳۱).

امام علی (ع) کار را مجموعه‌ای از تلاش و کوشش انسان‌ها برای آماده کردن توشه آخرت در دوران زندگی و دنیای مادی می‌داند: «بر شما باد به تلاش و کوشش، آمادگی و آماده شدن و جمع‌آوری زاد و توشه آخرت در دوران زندگی» (همان، خطبه ۱۳۰). در نگاه امام علی (ع) در جامعه اسلامی یکی از حقوق اولیه انسان‌ها، داشتن شغل است و طبق تلاششان باید پاداش داده شوند. امام خود در کنار امامت و حکومت، به کشاورزی و باغداری مشغول بود؛ کشیدن سنگ‌های گران از قله‌های کوه را دوست داشتنی‌تر از منت کشی دیگران می‌دانستند (قریشی، ۱۳۶۶، ص ۶). کار کردن یکی از جلوه‌های زندگی مؤمنان است که هر که کمتر کار کند، سست‌تر می‌شود.

وفای به عهد

یکی از بسترهای سبک زندگی اسلامی، پایبندی به تعهدات است. ایمان به خداوند باعث زمینه‌سازی اعتماد بین افراد می‌شود، زندگی اجتماعی انسان‌ها بنا بر اصولی است که وظایف و حقوقشان بر پایه آن شکل می‌گیرد. مؤمنان باید به قول خویش، پایبندی داشته باشند تا بتوانند حس اعتماد را در اجتماع به وجود آورند. محیطی که بر اساس حس اعتماد باشد، به نوعی همگرایی اجتماعی ایجاد می‌شود. در سبک زندگی اسلامی این همگرایی اجتماعی بر مبنای تقوای الهی است که با قرب الهی و الگوگیری از سنت و سیره معصومین (علیهم السلام) به این هدایت نائل می‌شوند.

در آیات الهی، از عهد به عنوان میثاق الهی نام برده شده است، که از صفت استواری برخوردار است:

الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ - آن‌ها که به عهد الهی وفا می‌کنند، و پیمان را نمی‌شکنند (رعد/۲۰).

و اساس سبک زندگی اسلامی، بر مبنای تعهد داشتن به همدیگر است. زندگی اجتماعی به این است که انسان‌ها نسبت به عهد و پیمان میان خود پایبند و متعهد باشند تا زمینه وحدتشان بر قرار گردد. در قرآن کریم افرادی که چنین صفتی داشته باشند، به عنوان مراعات‌کنندگان امانت‌ها و پیمان‌ها مورد ستایش قرار گرفته‌اند؛ (مؤمنون/۸) و افرادی که به عهد خویش وفا نمی‌کنند را

سخت نکوهش کرده است (صف/۳) و به مؤمنان دستور داده است که به عهد و پیمان خویش وفا دار باشند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها وفا کنید (مائده/۱).

مهم‌ترین تعهد انسان، همان اعتراف به بندگی خداوند است. مؤمنین برای رهایی از گمراهی ابلیس، به ولایت الهی روی می‌آورند. چون انسان موجودی اجتماعی است؛ برای برطرف کردن نیازهایش، راهی به غیر از همیاری ندارد؛ تعهد و پایبندی به عهدها، سلامتی این همیاری را تضمین می‌کند. پس می‌توان نتیجه گرفت: وفاداری به عهدها دارای اهمیت بالایی است که در تمام ابعاد وجود آدمی حضور دارد.

امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر فرموده است: «در برابر پیمانی که بسته‌ای و امانی که داده‌ای خود را سپر ساز، زیرا هیچ یک از واجبات خداوندی که مردم با وجود اختلاف در آرا و عقاید، در آن همداستان و هم‌رأی هستند، بزرگ‌تر از وفای به عهد و پیمان نیست. حتی مشرکان هم وفای به عهد را در میان خود لازم می‌شمردند، زیرا عواقب ناگوار غدر و پیمان شکنی را دریافته بودند. پس در آنچه بر عهده گرفته‌ای، خیانت مکن و پیمانت را مشکن و خصمت را به پیمان مفرب. زیرا تنها نادانان شقی در برابر خدای تعالی، دلیری کنند. خداوند پیمان و زینهار خود را به سبب رحمت و محبتی که بر بندگان خود دارد، امان قرار داده و آن را چون حریمی ساخته که در سایه سار استوار آن زندگی کنند و به جوار آن پناه آورند. پس نه خیانت را جایی برای خودنمایی است و نه فریب را و نه حيله‌گری را (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

نظم در امور

در سبک زندگی اسلامی این مسئله اهمیت والایی دارد. فرد مسلمان در برنامه‌ریزی زندگی خویش، دقت زیادی دارد. اهمیت زمان و قانونمندی در عمل، یکی از مؤلفه‌های زندگی یک فرد مسلمان است، که تأثیر آن در زندگی فردی و اجتماعی دیده می‌شود.

در سبک زندگی اسلامی بیش از حد بر این مقوله که برای منظم شدن یک شخص مسلمان، بر مسائلی متنوعی همچون آموختن نظم و انضباط از زمان کودکی، تربیت و تهذیب، دوری از بیماری‌های روحی مثل حسادت، بدبینی، میل به انتقام‌جویی... داشتن بدن سالم، معاشرت سالم، رعایت قوانین اجتماعی، انتخاب مسئولین با انضباط کاری، ... تأکید شده است که نشان از

وسعت این مسئله در زندگی مسلمانان دارد. در حقیقت حیطة نظم، کل امور فردی و اجتماعی زندگی یک فرد مسلمان را شامل می‌شود.

اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم و صلاح ذات بینکم: شما و همه فرزندان و خانواده و کسانی که این وصیتنامه را می‌خوانند، سفارش می‌کنم که تقوای الهی را پیشه خود سازید و امور زندگی را خودرا نظم بخشید و سر و سامان دهید و اختلافات میان خود را بر طرف کنید (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

امام علی (ع) در باره نقش قرآن در نظم و سرو سامان دادن زندگی مسلمان فرموده است: «آگاه باشید و بدانید که در قرآن اخبار آینده و گذشته ذکر شده است و قرآن داروی دردهای شما و نظم دهنده امور زندگی شماست» (همان، خطبه ۱۵۷). قرآن با تبیین نظام اجتماعی در ابعاد اعتقادی، فرهنگی، حقوقی، خانواده، سیاسی و... زندگی یک فرد مسلمان را تنظیم نموده است که چگونه اوقات خویش را در جهت به دست آوردن زندگی مطلوب از آن استفاده کنند. سید رضی می‌گوید، امام علی (ع) در باره تقسیم اوقات شبانه روزی مؤمن فرموده است: «[در طول شبانه روز] مؤمن سه نوع ساعت (وقت به نحو کلی) در اختیار دارد: وقتی که در آن با پروردگار خود راز و نیاز می‌کند، و وقتی که در آن تحصیل معاش می‌نماید و وقتی که در آن میان خود و خوشی‌ها در آنچه که حلال و امر نیکو می‌باشد، خلوت می‌کند. و بایسته نیست که انسان خردمند حرکت (روزانه) خود را جز در سه چیز: ۱. اصلاح معاش و زندگی روز مره؛ ۲. گامی در راه معاد؛ ۳. لذتی و خوشی در غیر راه حرام؛ انجام دهد (همان، حکمت ۳۹۰).

عوامل بازدارنده از سبک زندگی مطلوب

در برابر عوامل مطلوب سبک زندگی، عوامل دیگری وجود دارد که مانع زندگی مطلوب می‌گردد، برخی از این عوامل که در نهج البلاغه به آنها اشاره شده است عبارت‌اند از:

۱. جهل و نادانی

و لَّا فَقْرَ كَالْجَهْلِ؛ هیچ نداری مانند جهل و نادانی نیست (حکمت ۵۴). همچنین فرموده است: النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا؛ مردم دشمن چیزی هستند که نمی‌دانند (همان، حکمت ۱۷۲). انسان گرفتار در جهل نمی‌تواند زندگی مطلوب و ایده آل را تجربه کند، زیرا به دست آوردن چنین زندگی منوط و متوقف بر علم و آگاهی و بصیرت است و تسلط جهل بر زندگی مانع از برخوردار شدن از بصیرت و آگاهی می‌گردد و در نتیجه مانع از نیل به زندگی مطلوب می‌شود. از نگاه امام (ع)

انسان جاهل یا گرفتار افراط است یا در اسارت تفریط است: «لا تری الجاهل الا مفرطاً او مفرطاً. جاهل را نمی‌بینی مگر آن که یا زیاده‌روی (افراط) می‌کند یا کوتاهی (تفریط) می‌کند (همان، حکمت ۷۰). چنین انسانی نمی‌تواند انتخاب درستی در سبک زندگی داشته باشد.

۲. ضعف اعتقادی

پدید آمدن حوادثی در زندگی فرد و جامعه از قبیل: گستردگی جهل و بی‌سوادی، انحطاط فکری، اختلاف و آشفتگی، جدایی، بیگانگی و بی‌خبری، حیرت و سرگشتگی، بی‌عاطفگی، قتل و خونریزی، تزلزل و عدم ثبات، گسترش ترس و وحشت، عدم رعایت حدود الهی، عادی شدن فعل گناه، چیرگی یأس و نومیدی، خواری دانایان و گرامی شدن جاهلان، کوردلی، ناشی از ضعف اعتقادی است.

۳. غفلت زدگی

«غفلت» دارای مفهوم وسیع و گسترده‌ای است که شامل هرگونه بی‌خبری از شرایط زمان و مکان را می‌شود. از نگاه امام علی (ع) عواملی (از قبیل: نیاززدگی و توجه به مظاهر مادی دنیا (همان، حکمت ۱۱۸)، جهل و نادانی (همان، خطبه ۲۱۵)، آرزوهای دراز و دست نیافتنی (همان، خطبه ۴۲) از جمله عوامل غفلت زدگی انسان هستند و برای رهایی از این موانع، امام (ع) مداومت بر یاد خدا (همان، خطبه ۵۲ و ۲۱۳ و نیز نامه ۵۳) و یاد مرگ و یادآوری آخرت، (همان، نامه ۶۹) تقوا توصیه نموده است.

و در باره نقش عامل غفلت در تزییع نمودن عمر انسان فرموده است:

کفی بالرجل غفلة ان یضیع عمره فی ما لا ینجیه ؛ برای غفلت انسان، همین بس که عمر خود را در چیزی که مایه نجات او نیست، ضایع کند (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱ ص ۵۲۲).

از نگاه امام علی (ع) غفلت باعث دوری از خدا، مرگ قلب و جان (همان، ج ۵، ص ۲۹۳ و ج ۳، ص ۲۶۸) به علاوه موجب نابودی و فساد اعمال می‌گردد (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۸) و نیز هلاکت انسان می‌شود (همان، خطبه ۶۴) عامل کم شدن روح معنوی جامعه است (خطبه ۲۱۵).

همچنین فرموده است: «همنشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می‌سپارد و شیطان را حاضر می‌کند (خطبه ۸۶).

۴. مصرف‌گرایی و اسراف

از جمله عواملی است که مانع و بازدارنده زندگی مطلوب می‌شود. امام علی (ع) «أَلَا وَ إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ، وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَ يُهِنُّهُ عِنْدَ اللَّهِ؛ آگاه باشید و بدانید که بخشیدن مال به کسی که حق او نباشد، خود گونه‌ای تبذیر و اسراف است که بخشنده را در این جهان بالا می‌برد، ولی در آن دنیا پست و خوار می‌سازد؛ در میان مردم بزرگمنش می‌دارد و لی در نزد خدا خوار می‌گرداند (خطبه ۱۲۶). همچنین امام (ع) اسراف کاری را سبب ضایع شدن و از بین رفتن زاد و توشه در دنیا و عامل تباه شدن معاد معرفی کرده است و فرموده است: «من الفساد اضعاء الزاد، و مفسده المعاد. از [جمله عوامل] تباهی است، ضایع کردن زاد و توشه [اسراف و تبذیر] و تباه ساختن معاد (نهج البلاغه، نامه ۳۱). همچنین فرموده است: «کن سمحا و لا تکن مبذرا، و کن مقدرًا و لا تکن مقترًا؛ بخشنده باش و ولخرج مباش (در زندگی) حسابگر باش و سخت گیر و تنگ نظر مباش (همان، حکمت ۳۳)».

۵. تجمل‌گرایی

از جمله عوامل بازدارنده سبک زندگی مطلوب، تجمل‌گرایی است، سبک زندگی اشرافی نه تنها انسان را از زندگی مطلوب باز می‌دارند بلکه نابود کننده تمدن و فرهنگ جامعه نیز می‌گردد و سبک زندگی مقابل آن از یک سو زهد و پارسایی و بی‌اعتنایی به مظاهر دنیوی است و از سوی دیگر اعتدال و میانه‌روی و پرهیز اسراف و تبذیر در مشی زندگی است. امام علی (ع) دستور به میانه‌روی و پرهیز از هرگونه اسراف شده است (همان، نامه ۲۱). همچنین امام علی (ع) فرموده است: «روش ما اعتدال است و سنت ما رشد است. بر تو باد رعایت اعتدال در فقر و غنا» و در باره سفارش به زهد فرموده است: «إِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا، يُبْصِرَكَ اللَّهُ عَوْرَاتِهَا، وَ لَا تَعْفَلُ فَلَسْتَ بِمَعْفُولٍ عَنْكَ؛ در دنیا روش پارسایی را برگزین تا خداوند تورا نسبت به نقایص و عیوب آن آگاه سازد» (همان، حکمت ۳۹).

نتیجه

تلاش نویسنده در این مقاله بر این بوده است که با بررسی سخنان امام علی (ع) در قالب خطبه‌ها،

نامه‌ها، حکمت‌های آن حضرت در کتاب شریف نهج البلاغه، - و در مواردی جستجو در سخنان شارحان آن - برخی از عوامل سازنده و تأثیرگذار، همچنین برخی از موانع و عوامل بازدارنده سبک زندگی مطلوب و ایده آل از نگاه امام علی (ع) را بررسی و مورد تحقیق قرار دهم و در حد توان خود تلاش نموده‌ام لیکن از آنجا که سخنان امام در باره سبک زندگی بسیار وسیع و گسترده است، بررسی همه آنها و ابعادشان در یک مقاله امکان پذیر نیست، امید است که محققان دیگر همت نمایند آنها را مورد بررسی قرار دهند. عوامل زمینه‌ساز زندگی مطلوب یا عوامل باز دارنده انسان برای نیل به زندگی مطلوب در نهج البلاغه، که در واقع بیانگر دیدگاه امام (ع) در باره «سبک زندگی» است و برای حفظ استاندارد مقاله نیز موارد بیان شده به نحو اختصار تبیین شده است. آنچه که می‌توان گفت، این است که نهج البلاغه یک منبع غنی برای پژوهشگرانی است که می‌خواهند در موضوعات مختلف از جمله در باره «سبک زندگی» تحقیق نمایند.

منابع

قرآن

نهج البلاغه صبحی صالح

- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم، اسراء، ۱۳۸۸
- فرانکل، ویکتور ایمیل، فریاد ناشنیده برای معنا، مترجم: مصطفی تبریزی و علی علوی تبار، تهران، ۱۳۹۴.
- فعالی، محمد تقی، "سبک زندگی و سیره"، تمایزات و اشتراک‌ها، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۰۴، ۱۳۹۷.
- شریف قریشی، باقر، نظام خانواده در اسلام، چ ۲، (بررسی مقایسه‌ای)، لطیف راشدی، ۱۳۷۷.
- قریشی، شریف، کار و حقوق کارگر، ادیب لاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.
- سبحانی، جعفر و محمدرضایی، محمد، اندیشه اسلامی، تهران، نشر معارف، ۱۳۸۲.
- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۵.
- کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم، نشر معارف، ۱۳۹۱.
- مصباح، محمد تقی، "سبک زندگی اسلامی، ضرورت و کاستی‌ها"، ماهنامه معرفت، ۱۳۹۲.

- _____، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
- مهدوی کنی، محمدسعید، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۶.
- _____، دین و سبک زندگی، چ ۲، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱.

